مرتضی میردار

مبارزه به روایت سید احمد هوایی - ۱۶

رستوران خوان‌سالار و ناهارخوری لویزان

نماز عید فطر

این گذشت تا روزی که قرار شد نماز عید فطر در تپه‌های قیطریه برگزار شود. من هم با رابطه‌ای که داشتم، به‌عنوان انتظامات نماز معرفی شده بودم. اولین روزی بود که یک راهپیمایی عظیم می‌خواست راه بیفتد. نماز شروع شد و میکروفون دست آقای مرتضایی‌فر،[1] وزیر شعار، بود و آقای

مفتح هم نماز را خواند. وقتی راهپیمایی شروع شد،هادی غفاری[2] با آن صدای بلندش داد زد: «بروید به‌سمت پایین؛ امروز راهپیمایی بزرگی قرار است برگزار شود.» ما از قبل او را می‌شناختیم. قبایش را دستش گرفته و عینک زده بود و با همان تیپ خاصی که داشت، مردم را تحریک می‌کرد که پایین بروند و می‌گفت که خودمان هم می‌آییم. در این حین، آقای مرتضایی‌فر پشت بلندگو گفت: «این آقایانی که دارند شعار می‌دهند و می‌گویند بروید پایین، از ما نیستند. هیچ‌کدام از ما نیستند. مردم متفرق بشوید و بروید خانه‌های‌تان.» این جمله را شاید بیست بار تکرار کرد. ما هم کارد می‌زدند، خون‌مان درنمی‌آمد. با خودمان گفتیم «عجب نمازی آمدیم. این چه بود؟» آقای مرتضایی‌فر چندبار این را گفت و آقای مفتح هم صحبت‌هایی کرد، ولی مردم دیگر در حال و هوای خودشان بودند و کسی به حرف‌های‌شان گوش نمی‌کرد. از پیچ قیطریه که داشتیم پایین می‌آمدیم، اتاق برقی بود و یک بنز آنجا ایستاده بود. آقای مفتح روی این بنز بود و پک‌های عمیقی به سیگار می‌زد و فوت می‌کرد. ما مانده بودیم که این چه حرکتی است و به‌جای اینکه به این راهپیمایی شور و حرکت بدهند، می‌گویند بروید خانه‌های‌تان. این حرکت را هم در آنجا از ایشان دیدیم و خودمان در حالی که شعار می‌دادیم، پایین آمدیم. درست یادم نیست کجا، ولی گمانم جلوی سینما آتلانتیک[3] ایستادیم و نماز خواندیم و جمعیت هم غوغا بود. بلندگویی هم نبود. بچه‌ها فاصله به فاصله به عنوان مکبّر ایستاده بودند. نماز باشکوهی بود و عظمتی داشت. آن راهپیمایی ادامه پیدا کرد و من خودم همراه آنها تا میدان انقلاب رفتم و بعد برگشتم. وقتی به خانه رسیدم، حدوداً ساعت دو بعدازظهر شده بود. ولی در جریان راهپیمایی بودم و می‌دانستم چه شده بود. گویا جمعیت تا میدان آزادی رفته بود. مردم به قدری هیجان‌زده بودند که خواب و آسایش و مسائل اینچنینی برایشان مطرح نبود. تنها نگرانی این بود که نکند راهپیمایی‌ها متوقف شوند.

ماه رمضان بود و در حسینیه نشسته بودم. ساعت ده، ده و نیم شب بود که دیدم شهید بروجردی در حالی‌که یک جفت کفش‌بندی در دستش هست، وارد شد. ما ارتباط مستقیم با هم نَداشتیم. نه آقای بروجردی مرا می‌شناخت، نه من او را. در حالی که جفت‌مان می‌دانستیم که چه‌کار می‌کنیم. ایشان که آمد داخل، من او را خیلی پریشان دیدم. فهمیدم که او از ماجرای خوان‌سالار[4] مطلع شده است. اتفاقاً بعد از آن هم آقای‌هادی بیک‌زاده را دیدم. به قول تشکیلاتی‌ها با ایشان بیشتر تماس و حق سؤال داشتم، وگرنه اصلاً حق سؤال نداشتیم. همهٔ ما همدیگر را می‌شناختیم، ولی به روی خودمان نمی‌آوردیم که می‌شناسیم. از بیک‌زاده پرسیدم: «بروجردی را می‌شناسی؟» گفت «آره». گفتم «خیلی پریشان بود. چه‌شده؟» خانهٔ ایشان هم در بازارچهٔ نایب‌السلطنه بود و تقریباً هم‌محله‌ای هم بودیم. نمی‌دانم خودهادی بیک‌زاده خبر داشت یا نه، ولی گفت: «نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده.» ساعت ۱۲ شب بود که صدایش بلند شد که گویا آمریکایی‌ها را به هوا فرستاده‌اند. هنوز هم کسی خبردار نشده بود که خود آن دو نفری که این کار را کرده بودند، به شهادت رسیده‌اند. شخصی به نام آقای احمدی، و یک خانم که همراهش بود این کار را کرده بودند. وقتی بمب را کار گذاشتند، خودشان نتوانستند بیرون بیایند و در آنجا شهید شدند. یادم هست که مردم از خوشحالی در پوست خودشان نمی‌گنجیدند. من از نظر شرعی و این حرف‌ها چیزی سرم نمی‌شود، ولی این اتفاق، برای انقلاب واقعاً مثل یک بمب اتمی بود و به مردم روحیه و قدرت داد. خیلی عجیب بود. هرکسی را که می‌دیدی، از موافق و مخالف، خوشحال بود که چنین اتفاقی افتاده است. مردم از این کاری که شده بود خیلی جان و قوت گرفتند.

ما در این زمینه اطلاعیه ندادیم، ولی سعی کردیم خبرش را به شکل شفاهی پخش کنیم که همه بفهمند. یکی دیگر هم ماجرائی بود که در ناهارخوری گارد در لویزان[5] اتفاق افتاد. در آنجا دو تا گروهبان، افسرها را به رگبار بستند. سر و صدای آن را هم درنیاوردند، ولی ما وقتی شنیدیم به‌صورت شفاهی تکثیرش کردیم و به همه‌جا خبر دادیم که این اتفاق افتاده است. بخشی از خبرها را هم ما به این شکل می‌دادیم و اعلامیه‌ای نبود. شایعات دروغ هم آن روزها زیاد بود. مثلاً می‌گفتند عکس امام توی ماه افتاده است. یا می‌گفتند در خیابان غیاثی، زنی نمی‌دانم چه‌کار کرده و تبدیل به سگ شده و صدای سگ از آنجا می‌آید. خود ساواک هم به این‌جور شایعات دامن می‌زد تا مردم دچار انحراف فکری و خرافات بشوند و از فکر نهضت و انقلاب بیرون بیایند. از این شایعات الی‌ماشاءالله می‌ساختند. شایعات دروغ دربارهٔ حوادث و رویدادها هم فراوان بود. مردم دل‌شان می‌خواست اطلاعات و اخبار درست را از طریق مراکز توزیع‌مان، که به آنها اعتماد داشتند، به گوش‌شان برسانیم. مردم وقتی خبرها را از آنها می‌شنیدند، برای‌شان قابل قبول بود.

پانوشت‌ها:

۱- محمود مرتضایی‌فر (۱۳۱۳-۱۳۹۲) معروف به وزیر شعار است. او را بنیانگذار تکبیر در دوران پس از انقلاب می‌دانند. او تا سال ۱۳۸۶ تکبیرگوی نماز جمعهٔ تهران بود. مرتضایی‌فر دربارهٔ چگونگی انتساب لقب وزیر شعار به خود می‌گوید: «آیت‌الله توسلی یک‌بار مرا دیدند و فرمودند آقای مرتضایی‌فر خبر داری وزیر شعار شده‌ای؟ با تعجب پرسیدم چطور؟ گفتند دیروز امام از حاج احمد آقا حال شما را پرسیدند. حاج احمد آقا فرمودند وزیر شعار را می‌فرمایید؟ امام خندیدند و از آنجا بود که این موضوع سراسری شد و به خاطر نفس گرم امام، بدون اینکه کسی تبلیغ کند، همه‌جا به من وزیر شعار می‌گویند.»

۲-هادی غفاری فرزند شهید آیت‌الله حسین غفاری و متولد ۱۳۲۹ در آذرشهر است. او از مبارزین انقلابی بوده است.

۳- سینما آفریقا

۴- حادثهٔ انفجار رستوران خوان‌سالار توسط گروه توحیدی صف و در شامگاه ۲۲ مرداد ۱۳۵۷ رخ داد. روزنامهٔ اطلاعات مورخ ۲۳ مرداد ۱۳۵۷ نوشت: «در انفجار رستوران سنتی خوان‌سالار تهران واقع در حوالی میدان آرژانتین، یک تن کشته و ۴۵ نفر زخمی شدند که حال پنج تن از آنان وخیم گزارش شده است. در اثر این انفجار دست‌وپای عده‌ای قطع شد و یک نفر شنوایی خود را از دست داد. به هنگام انفجار حدود ۷۰ نفر در رستوران بودند. ده تن از زخمی‌ها آمریکایی بودند. انفجار توسط بمب به‌وسیلهٔ فرد ناشناسی رخ داد که بعداً در بیمارستان درگذشت.»

۵- در محرم سال ۱۳۵۷ شهید کلاهدوز و ستوان حسن‌زاده به‌همراه دو تن از نیروهای ارتش طرح ترور افسران ردبالای شاه را طرح‌ریزی کرد. درحالی‌که حدود صد تن افسران ارتش در روز عاشورا، مصادف ۲۰ آذر ۵۷، در ناهارخوری لویزان جمع بودند، جلال‌الدین امیدی‌عابد و اسماعیل سلامت‌بخش از پله‌های رستوران پایین آمدند و افسران را به تیر بستند. هنگام فرار، امیدی‌عابد و سلامت‌بخش به شهادت می‌رسند. ستوان حسن‌زاده نیز دستگیر می‌شود و کسی را لو نمی‌دهد. رژیم شاهنشاهی او را نیز به شهادت رساند. حکومت سعی در پنهان‌نگه‌داشتن تعداد مقتولین داشت، بنابراین تعداد مقتولین را بسیار کم اعلام کرد. تعداد مقتولین از هفت نفر تا هفتاد نفر اعلام شده است.

مناسبات جمهوریّت و اسلامیّت در انتخاب ولیّ فقیه- ۹۰

امامت جمعه تهران و نمایندگی مجلس

سید یاسر جبرائیلی

اوّلین نماز باشکوه جمعه تهران در تاریخ پنجم مردادماه سال ۱۳۵۸ به امامت آیت‌الله طالقانی اقامه شد. امّا عمر ابوذر زمان[1] در فاصله‌ای کوتاه به پایان رسید و نوزده شهریورماه همان سال ایشان دارفانی را وداع گفت. دوّمین امام‌جمعه تهران نیز آیت‌الله منتظری بود که در فاصله‌ی کوتاهی بعد از انتصاب به قم رفت و از امامت جمعه‌ی تهران استعفا نمود. ۲۴ دی‌ماه ۱۳۵۸ حضرت امام خمینی طیّ حکمی آیت‌الله خامنه‌ای را به امامت جمعه‌ی تهران منصوب کردند.[2] انتخاب امام و حکمی این‌چنین برای آیت‌الله خامنه‌ای که به تازگی چهل‌سالگی را پشت سر نهاده بود، برای عدّه‌ای سنگین آمد، برخی را در اعجاب فرو برد و برخی نیز جوسازی‌هایی کردند. امّا عنایت حضرت امام به آیت‌الله خامنه‌ای حکایت از شناخت خصوصیّات و ویژگی‌هایی داشت که در شخصیّت سیاسی، فرهنگی و علمی ایشان نهفته بود. این بود که مخالفت‌ها به‌زودی با آشکار شدن علم دینی، قدرت تحلیل و قوّت خطابه‌ی ایشان فروکش کرد، برای عموم مردم

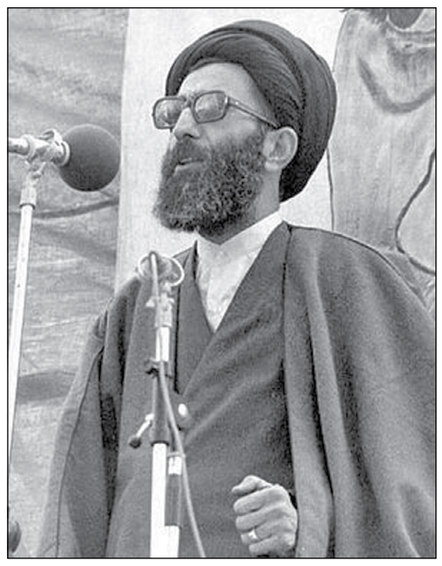

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از ۲۸ دی‌ماه ۵۸ تا زمان ارتحال حضرت امام خمینی بیش از دویست خطبه ایراد کردند. این خطبه‌ها ناظر به نیازهای جاری نظام نوپای اسلامی ایراد شد و پاسخ بسیاری از مسائل مستحدثه را داد.

درایت امام(قدّس‌سرّه) در حسن انتخاب و انتصاب آیت‌الله خامنه‌ای برای امامت نماز جمعه‌ی تهران روشن شد و نمازهای جمعه در دانشگاه تهران شکوه و عظمت دیگری یافت.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از ۲۸ دی‌ماه ۵۸ تا زمان ارتحال حضرت امام خمینی بیش از دویست خطبه ایراد کردند. این خطبه‌ها که ناظر به نیازهای جاری نظام نوپای اسلامی ایراد شد و پاسخ بسیاری از مسائل مستحدثه را داد و بایدها و نبایدها در حکومت اسلامی را تبیین کرد، شامل مباحث مبنایی پیرامون انقلاب اسلامی، خصوصیّات حکومت اسلامی، ویژگی‌های حاکم اسلامی، اصول جامعه و نظام اسلامی، مفاهیمی اساسی چون عدالت، آزادی، نفاق، تقوا و...، درسهایی از سیره‌ی سیاسی - اجتماعی معصومین(علیهم‌السّلام)، گزارش آخرین وضعیّت جنگ تحمیلی به مردم، و نیز تحلیل و بررسی و موضع‌گیری پیرامون مسائل جاری کشور، منطقه و جهان بود.

نمایندگی مجلس شورای اسلامی

۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۵۸ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در انتخابات نخستین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی اعلام نامزدی کردند. ایشان در این انتخابات از سوی ائتلاف بزرگ نیروهای خطّ امام شامل جامعه‌ی روحانیّت مبارز تهران، حزب جمهوری اسلامی و چندین سازمان و گروه اسلامی دیگر مورد حمایت قرار گرفته و با کسب بیش از یک میلیون و چهارصد هزار رأی، از حوزه‌ی انتخابیّه‌ی تهران وارد مجلس شدند. ایشان به عضویّت کمیسیون امور دفاعی درآمده و به ریاست آن انتخاب شدند. در مدّت ریاست ایشان، طرح‌ها، لوایح و موضوعات متعدّدی در کمیسیون امور دفاعی بررسی شد که از مهم‌ترین آنها می‌توان تأمین نیازمندی‌های استخدامی سپاه پاسداران، ادغام سازمان بسیج مستضعفین در سپاه پاسداران، مسئله‌ی کردستان، مسائل مرزی، مسئله‌ی بلوچستان و سازمان‌دهی نوین ارتش را نام برد. از مواضع مهمّ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دوره نمایندگی نیز می‌توان به صحبت‌های مهم و مستند ایشان در موافقت با طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر برای ریاست‌جمهوری اشاره کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای در جلسه بررسی کفایت سیاسی بنی‌صدر در مجلس، چهارده دلیل برای عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر برشمردند که عبارت بودند از عدم احترام به نهادهای قانونی، رعایت نکردن حرمت جمهوری و رئیس‌جمهور، استفاده از هر ابزاری در مقابله با مخالفان، سیاست‌گرایی به‌جای حقیقت‌گرایی، صادق و راستگو نبودن، بی‌قدر و منزلت کردن امام و امّت، رعایت نکردن حیثیّت جمهوری در خارج از کشور، به‌کارگیری مشاوران بدنام و مشکوک، افشای اسرار اقتصادی کشور، ایجاد تشنّج در کشور پیش از جنگ، بی‌توجّهی به خطّ رهبری انقلاب، حرکت به سمت قدرت مطلقه و استبداد، اخلالگری و شورش، و خصلت‌های ناپسند فردی ازجمله غرور. امّا نکته‌ی قابل‌توجّه در نطق آیت‌الله خامنه‌ای این بود که در واکنش به اتّهامی که درباره‌ی شهید شدن رزمندگان در هویزه به بنی‌صدر وارد شده بود، ضمن تشریح کامل ماجرا این اتّهام را کاملاً رد کردند: «وظیفه‌ی من است که بگویم آقایان، بنده روز پانزدهم دی‌ماه خودم در منطقه‌ی هویزه بودم... در هویزه که بچّه‌های ما شهید شدند، من به‌طور قطع نفی نمی‌کنم، ولی من به‌هیچ‌وجه از کسانی یک تعلّل عمدی، سستی عمدی، خیانت، خدای‌نکرده، مشاهده نکردم. چون دیروز شنیده شد که عدّه‌ای می‌گفتند، این کار کار آقای بنی‌صدر است؛ نه. درباره آقای بنی‌صدر ما آن‌قدر اشکال و ایراد وارد و منطقی داریم که محتاج این نیستیم که با این مسئله که هیچ راه اثباتی ندارد، ایشان را متّهم کنیم. این را من گناه بنی‌صدر نمی‌دانم.»[3]

پس از آغاز جنگ تحمیلی به سبب حضور در جبهه‌های جنگ، حضور آیت‌الله خامنه‌ای در جلسات مجلس شورای اسلامی کمرنگ شده بود امّا پیرو جراحت شدید در جریان ترور ایشان در شش تیر ۱۳۶۰، در موارد معدودی در مجلس حاضر شدند. با انتخاب به مقام ریاست‌جمهوری در مهر ۱۳۶۰ قوّه‌ی مقنّنه را ترک گفتند.

نمایندگی حضرت امام خمینی در شورای‌عالی دفاع

پیش از تصویب قانون اساسی، با مصوّبه‌ی شورای انقلاب، شورایی تحت عنوان شورای‌عالی دفاع ملّی ایجاد شده بود که ساماندهی امور نظامی را به عهده داشت. در قانون اساسی نیز شورایی تحت عنوان «شورای‌عالی دفاع» ذیل اختیارات رهبری پیش‌بینی و ترکیب آن به این شکل تعیین شد: رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیر دفاع، رئیس ستاد مشترک ارتش، فرمانده‌ی کلّ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دو مشاور به تعیین رهبر.[4] بیستم اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹ حضرت امام خمینی با استناد به اصل ۱۱۰ قانون اساسی، طیّ حکمی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و دکتر مصطفی چمران را به‌عنوان دو مشاور و نماینده‌ی خود در شورای‌عالی دفاع منصوب کردند. وظایف این شورا، ارائه پیشنهاد به رهبری درباره تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه‌گانه و نیز اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها بود. با شروع جنگ تحمیلی، حضرت امام خمینی طیّ حکمی کلّیّه‌ی امور مربوط به جنگ را به این شورا سپردند.[5] آیت‌الله خامنه‌ای سخنگویی این شورا را نیز به عهده داشتند و وظیفه‌ی اطّلاع‌رسانی درباره‌ی تصمیمات و اعلام مواضع شورا درباره‌ی جنگ، به عهده‌ی ایشان بود.

آیت‌الله خامنه‌ای از همان روزهای نخستین جنگ، فعّالانه به تدبیر مسائل پرداختند. در دوّمین روز شروع جنگ در جلسه‌ای که در ستاد مشترک ارتش برای بررسی چگونگی برخورد با تجاوز نظامی عراق تشکیل شد، حضور یافتند و آنگاه که قرار شد فردی برای بررسی مسئله به جبهه‌های جنگ برود، نخستین کسی که این پیشنهاد را پذیرفت آیت‌الله خامنه‌ای بود. ایشان در پنجم مهرماه ۱۳۵۹ پس از کسب اجازه از حضرت امام، در کسوت یک نظامی در جبهه‌های جنگ حضور یافتند تا گزارشی از وضعیّت جبهه‌ها و امکانات نیروهای ایرانی در مناطق مورد تجاوز نیروهای بعثی تهیّه کنند. بر همین اساس راهی جبهه شدند و تا اواسط بهار ۱۳۶۰ در جبهه مستقر بودند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در اوّلین نماز جمعه پس از آغاز دفاع مقدّس با اشاره به ادّعای رادیو عراق مبنی بر اینکه چرا ایشان خودش به جبهه نمی‌آید، پاسخ دشمن بعثی را این‌گونه دادند: «شنیدم دستگاه تبلیغاتی مزدور عراق پیغام داده است و سخن پراکنده است که چرا آنها که می‌گویند، خودشان به میدان نمی‌آیند و شنیدم اسم مرا آورده است. ما میدان آمدنمان مانند میدان آمدن خائن و کافری چون صدّام نیست؛ ما به‌سوی میدان جنگ پرواز می‌کنیم. آن روزی که امام اشاره کند و اجازه دهد من اوّل کسی خواهم بود که به میدان خواهم رفت. ما میدان جنگ را سالها است آزموده‌ایم؛ آن‌هم با کسی از صدّام قوی‌تر و شقی‌تر و بر او پیروز شده‌ایم. در میدان رفتن ما شکست نیست. ما به میدان خواهیم رفت و اگر منِ شخصی، از میدان برنگردد و در آنجا شهید بشود یقیناً جمعِ به‌میدان‌رفته‌ها از میدان برنمی‌گردد مگر آن وقت که پیروز شده باشد. خدا راه شکست را به روی ما بسته است. «ایّها الکفّار، ایّها الصّدّام، قل هل تربّصون بنا الّا احدی الحُسنَیَین»؛ شما مگر دو راه در مقابل ما بیشتر می‌بینید؟ این هر دو راه برای ما افتخارآمیز است. یکی راه شهادت که افتخارش همیشگی و ثابت و لایزال است و دیگری راه پیروزی، پیروزی ظاهری. و هر دو برای ما پیروزی است.»[6]

پانوشت‌ها:

۱- حضرت امام خمینی آیت‌الله طالقانی را «ابوذر زمان» نامیدند.

۲- صحیفه‌ی امام خمینی، ج ۱۲، ص ۱۱۶

۳- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در جلسه‌ی بررسی کفایت ابوالحسن بنی‌صدر ۱۳۶۰/۳/۳۱

۴- این شورا در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ منحل شد و وظایف آن بر اساس اصل ۱۱۰ بر عهده‌ی رهبری گذاشته شد.

۵- صحیفه‌ی امام خمینی، ج ۱۳، ص ۲۶۳، ۱۳۵۹/۷/۲۰

۶- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۵۹/۷/۴

نیازمندی‌های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

۳۳۱۱۰۲۰۲
۳۳۱۱۳۵۱۹
۳۳۱۱۰۲۱۰
۳۳۱۱۸۰۵۰

مرکز
۳۳۱۱۸۰۵۲ ۳۳۱۱۲۱۹۳
۳۳۹۱۱۵۶۸ ۳۳۱۱۲۲۹۱
۳۳۱۱۹۲۳۶ ۳۳۱۱۳۰۸۵
۳۳۱۱۲۱۹۵ ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب
سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳
شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴
اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳
چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال
قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵
شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶
مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲
شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶-۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

اجاره انبار و سالن

بنایی و خدمات ساختمانی

صادرات و واردات

لوازم یدکی خودرو

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

آگهی‌های مفقودی

حمل و نقل

خرید و فروش انواع خودرو

استخدام

انبار کالا مجهز به لیفتراک
تقاطع خیابان بهشتی و ولی‌عصر (اجاره)
۸۸۸۰۶۳۸۱ و ۰۹۱۲۱۲۱۲۷۲۸-۲

حفر چاه آب و چاه فاضلاب
تخریب‌ساختمان
زیر قیمت
رحمت ترکی ۰۹۱۲۰۱۹۰۲۷۸

آلمان +ایتالیا
هر سفارشی دارید با ما تماس بگیرید
۸۸۷۵۳۷۴۹
۰۹۱۲۳۵۴۵۰۶۱

تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی
تویوتا- لکسوس (بازار)
۳۳۹۹۰۰۱۷ - ۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰

املاک افق
خرید- فروش- رهن- اجاره
زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

(سوله اجاره) مجهز به لیفتراک
شهرک صنعتی گلگون سعیدآباد شهریار
اول شمالی سالن تیپ D
۴۰۰ متر سوله ۴۵۰ متر زمین
۸۸۸۰۶۳۸۱ و ۰۹۱۲۱۲۱۲۷۲۸-۲

فلاشینگ نما زکریا
تهیه و اجرای فلاشینگ نما
و ورق فلزی ۰۹۱۲۷۲۸۳۹۸۲
و ۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

متصدی حمل هوایی زمینی دریایی
و ریلی کالای وارداتی صادراتی
ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها
حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

برگ سبز و کارت مشخصات خودرو سواری سمند LX XUv به شماره پلاک ۱۳۳ ب ۴۳ ایران ۳۴ به رنگ سفید مدل ۱۴۰۰ و شماره موتور ۱۲۴K۱۶۴۲۹۱۶ و شماره شاسی NAAC۹۱CE۴MF۸۴۷۲۱۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو وانت پیکان ۱۶۰۰ به شماره پلاک ۸۳۷ ب ۹۵- ایران ۱۴ به رنگ سفید- معمولی مدل ۱۳۸۰ و شماره موتور ۱۱۵۱۸۰۰۳۷۳۶ و شماره شاسی ۸۰۹۰۳۶۰۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کلیه مدارک بجز کارت ماشین خودروی سواری پژو ۴۰۵، مدل ۱۳۷۸ به شماره انتظامی ۶۳۱ ج ۴۲ ایران ۵۶ و شماره موتور ۲۲۵۲۷۸۱۱۹۹۳ و شماره شاسی ۰۰۷۸۳۱۲۶۷۵ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) موتورسیکلت ستاتور ۱۲۵CDI مشکی مدل ۸۹ به شماره انتظامی ۶۷۲۵۳ - ایران ۱۱۳ و شماره تنه N۲D۰۰۰۱۲۵E۸۹۰۵۷۴۲ مفقود و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی خودرو پژو پارس XUv مدل ۱۳۹۲ رنگ سفید- روغنی به شماره شهربانی ۱۳۷ س ۵۷ ایران ۵۱ و شماره موتور ۱۲۴K۰۳۱۰۵۲۱ و شماره شاسی NAAN۰۱CA۶DH۹۰۷۳۷۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز سواری سمند LX، به رنگ سفید روغنی، مدل۱۳۸۸، به شماره انتظامی ۵۲۱ د ۹۶ ایران ۴۶ و شماره شاسی NAACA۱CB۰AF۲۱۵۵۴۷ شماره موتور ۱۲۴۸۸۲۹۱۰۲۷ بنام آقای محمد زحمتکش‌راد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی و برگ سبز هاچ بک سایپا QUIK-R به شماره انتظامی۴۴۳س۱۷ ایران ۶۳ مدل ۱۴۰۰ موتور M ۱۵۹۱۷۵۳۸۳ شاسی NAPX ۲۱۲ AAM ۱۰۳۹۵۸۲ به نام سارا غلامی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
(نوبت دوم)
مدرک تحصیلی اینجانب آذردخت مرادی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۸ صادره از بهار در مقطع کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی صادره از واحد دانشگاهی همدان با شماره سریال ۱۸۰۰۱۶۱ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان به نشانی حسن آباد همدان - دانشگاه آزاد اسلامی ارسال نمایند.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
نوبت دوم
گواهینامه موقت پایان تحصیلات اینجانب امین ذوالفقاری فرزند فرامرز به شماره شناسنامه ۳۳۹۴۹ صادره از مسجدسلیمان در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی تکنولوژی برق قدرت صادره از واحد دانشگاهی مسجدسلیمان با شماره ۱۹۵۲ مورخ ۱۳۹۴/۴/۲۴ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان به نشانی: مسجدسلیمان، سه‌راهی سد شهید عباسپور، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان ارسال نماید.

سند کمپانی اتومبیل سواری هاچ بک چری (تیگو ۷) مدل ۱۳۹۷ شماره انتظامی ۶۴۴ ب ۳۲ ایران ۳۱ به شماره موتور MVME۴T BADH ۱۵۰۰۱۶۳۶ و شماره شاسی NATGBACRxJ۱۰۰۳۵۸۱ بنام ابراهیم شایان زاده به شماره ملی ۴۰۷۰۴۷۵۸۹۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز موتورسیکلت شهاب ۲۰۰cc با شماره پلاک ۶۲۶۷۵ ایران ۵۸۸ و شماره موتور ۰۱۹۶NE۱۴۵۱۶۸۱ و شماره تنه NE۱***۲۰۰K۹۴۱۱۸۴۱ بنام مرتضی مغنی با کد ملی ۲۱۸۱۳۱۸۰۱۸ مفقود گشته و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری ام وی‌ام تیپ آریزو ۵ تربو به شماره انتظامی ۴۵۹ ط ۱۷ ایران ۸۷ با شماره موتور MVME۴T۱۵BARL۰۱۰۴۴۳ و شماره شاسی NATFCANH۵L۱۰۲۰۲۷۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودروی سواری‌هاچ بک سیستم چری، تیپ TIGG۰۵FL مدل۱۳۹۶، به رنگ سفید روغنی، به شماره انتظامی ۹۸۵ ی ۱۶ ایران۷۷، شماره موتور MVM۴۸۴FTAG۰۱۵۸۶۵ و شماره شاسی NATGBATL۸H۱۰۱۲۷۸۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودروی پژو ۴۰۵، مدل۱۳۷۸، به شماره انتظامی ۶۳۱ ج۴۲ ایران ۵۶ به شماره شاسی ۰۰۷۸۳۱۲۶۷۵ و شماره موتور۲۲۵۲۷۸۱۱۹۹۳ بعلت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده‌ام لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران- کرج، شهرک پیکانشهر، ساختمان سمند، طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

اینجانب صادق ندری مالک خودرو پژو پارس مدل ۹۱ به شماره انتظامی ۶۹۷ ل ۲۹ ایران ۴۱ به شماره تنه NAANP۱CA۶CK۱۴۷۵۴۰ و شماره موتور ۱۲۴۹۱۰۶۴۶۰۵ بعلت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هر کس ادعایی نسبت به خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش ایران خودرو واقع در پیکانشهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مذبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

برگ سبز خودرو تاکسی پژو روآ به رنگ زرد خورشیدی مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ۳۵۱ ت ۲۴ ایران ۷۸ به شماره موتور ۱۱۸۹۰۰۱۸۷۵۱ به شماره شاسی VAAB۴۱۴۸۸۶BH۸۶۸۷۶۰ به مالکیت علی‌اکبر آب‌سالان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ کمپانی موتورسیکلت ۱۲۵CC مدل ۱۳۹۰ شماره انتظامی ۲۹۴۹۸ ایران ۶۲۳ به شماره تنه ۱۲۵A۹۰۱۴۱۲۹NB*** و شماره موتور CG۱۲۵NB۱A۳۱۱۵۷۵۸ بنام امیر سربندی زاده فرزند حبیب‌الله به شماره ملی ۱۲۵۰۲۳۸۱۴۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اینجانب مهدی امینی ششکلی، مالک خودروی سواری پژو ۴۰۵، مدل۱۳۷۸، به شماره انتظامی ۶۳۱ ج۴۲ ایران ۵۶ به شماره شاسی ۰۰۷۸۳۱۲۶۷۵ و شماره موتور۲۲۵۲۷۸۱۱۹۹۳ بعلت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده‌ام لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران- کرج، شهرک پیکانشهر، ساختمان سمند، طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

جواز حمل سلاح شکاری تک‌لول ساچمه‌زنی تمپر، کالیبر ۱۲، مدل دستسکش، ساخت ایران، به شماره سلاح ۰۴۱۹۰۰۱۹۵، به شماره سریال ۱۴۲۶۸۴۹ بنام مهرداد زحمتکش محمدی فرزند حسن به شماره شناسنامه ۵۰۳ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اینجانب خسرو شاهدی مالک خودرو پیکان مدل ۸۳ به شماره انتظامی ۱۸۴۳۲۹ ایران ۴۱ به شماره تنه ۸۳۴۸۹۹۴۳ و شماره موتور ۱۱۲۸۳۱۳۲۹۸۵ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش ایران خودرو واقع در پیکانشهر ساختمان سمند. مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

فقدان مدرک تحصیلی
(نوبت اول)
مدرک موقت فارغ‌التحصیلی اینجانب رضوان احمدی فرزند عباسعلی به شماره شناسنامه ۸۵۸ صادره از بوشهر در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی صادره از واحد دانشگاهی بوشهر مفقود گردیده و فاقد اع